

تبیین رابطه توسعه فرهنگی و ارزش ها (مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر شیراز)

بیژن جانی^۱: دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران، دبیر آموزش و

پرورش ناحیه ۴ شیراز، ۰۹۱۷۷۰۲۲۲۵۶، b.jani.s.m@gmail.com

دکتر مجید رضا کریمی : استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران،

۰۹۱۷۷۱۵۴۷۵۰، majidrezakarimi@gmail.com

دکتر کرامت الله راسخ: دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم؛ ایران، ۰۹۱۷۳۱۴۸۵۶۴،

rasekh_k@yahoo.com

چکیده

عدم توانایی نظریه‌های کلاسیک توسعه از جمله «نظریه وابستگی» و «نظریه نوسازی»، توسعه فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه از اهمیتی خاص برخوردار شد. توسعه فرهنگی با موانعی روبرو است. تقدیرگرایی و قوم‌مداری از جمله موانع عمده هستند که در برابر توسعه فرهنگی قرار دارند، مقولاتی که موضوع واکاوی این پژوهش هستند. تقدیرگرایی و قوم‌گرایی به‌عنوان متغیرهای مستقل و توسعه فرهنگی به‌عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفتند. هدف بررسی تأثیر این موانع بر توسعه فرهنگی با تأکید بر تغییر ساختار ارزش‌ها در خانواده‌های شهر شیراز انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایشی اجرا شده است. نمونه ۳۸۴ نفر از شهروندان ساکن شهر شیراز بودند که تعداد آنان با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و از نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین خانواده‌های جامعه آماری پرسشنامه توزیع گردید. یافته‌ها نشان داد که دو متغیر قوم‌گرایی و تقدیرگرایی بر تعیین ارزش‌های اجتماعی تأثیر قطعی دارند و رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد به بالا وجود دارد و فرضیه‌ها مورد تأیید است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش به قوم‌گرایی و تقدیرگرایی بر دموکراسی، جهانی شدن و علم‌گرایی تأثیرگذار و مانعی در راه توسعه فرهنگی می‌باشند.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، تقدیرگرایی، قوم‌گرایی

^۱ برگرفته از رساله دکتری بیژن جانی

مقدمه

در چند دهه اخیر و پس از جنگ جهانی دوم، رفع نیازها توأم با رویکردها و نظریاتی کمی و کیفی بوده است و زمینه ایجاد مفاهیمی همچون، توسعه^۲، توسعه نیافتگی^۳، جهان سوم^۴، رشد^۵، ترقی^۶، نوسازی^۷، تکامل^۸، تغییر و برخی مفاهیم دیگر را به وجود آورد.

توسعه همه جانبه و پایدار موضوعی اساسی برای کشورهاست و در نتیجه الگوها و رویکردهایی چند نیز در رسیدن به توسعه ترسیم شده است. تا دهه هفتاد میلادی عوامل اقتصادی (رشد تولید ملی) محور مباحث توسعه را تشکیل می داد اما بعد از این دهه بسیاری از نظریه پردازان به سایر ابعاد توسعه مانند توسعه اجتماعی، سیاسی، روانی، اقتصادی و فرهنگی نیز گرویدند. در این میان توسعه فرهنگی با تأکید بر برخی ارزش ها مورد عنایت قرار گرفت و اقبال پژوهشگران به مسائل و موضوع های فرهنگی را در پی داشته است و تلاش های فراوانی برای بازسازی الگوها و نظریه های فرهنگی موجود و ساختن نظریه های جدید صورت گرفته است تا پیچیدگی های امر فرهنگی بهتر تبیین شود.

توسعه فرهنگی به فرآیندی اطلاق می گردد که طی آن فرهنگ از سطحی ساده و ابتدایی به سلسله مراحل متوالی به شکل پیشرفته و تکامل یافته تری تبدیل شود، "توسعه فرهنگی در تحلیل نهایی بستگی به غنی کردن و شکل دادن فرهنگ شخصی هر فرد به نحوی که او قادر سازد فرهنگ خود را بیان کند و فرهنگ خود را تولید کند" (پهلوان، ۱۳۷۸: ۲۰). ترسیم مسیر خطی برای رشد و توسعه فرهنگی به شکل گیری ارزش ها و باورهای نوین بستگی دارد و ارزش ها و ایده آل های اجتماعی اساس و بنیان توسعه فرهنگی را تشکیل می دهند. در این میان برخی ارزش ها به عنوان موانع توسعه فرهنگی قلمداد می گردند؛ از جمله این ارزش ها تقدیرگرایی^۹ (فاتالیسم) و قوم مداری^{۱۰} است.

تقدیرگرایی به عنوان باوری فرهنگی و گروهی که در آن کلیه امور و پدیده ها در حیات اجتماعی فرد به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءطبیعه نسبت داده می شود و این نیروها در همه اوضاع و احوال ناظر

^۲ development

^۳ Undevelopment

^۴ Third world

^۵ Growth

^۶ Progress

^۷ Modernization

^۸ Evelotion

^۹ Fetalism

^{۱۰} Ethnocenterism

بر افعال، افکار و کردار فرد هستند. "تقدیرگرایی به مثابه اعتقادی گروهی همه امور و پدیده دارد، حیات اجتماعی فرد به کارکرد نیروها و عوامل ماورای طبیعی نسبت می دهد" (راستی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۲) تعریف می شود. جامعه ای که تقدیرگرایی در آن حاکم باشد، مردم آن اغلب تسلیم سرنوشت می شوند. در چنین جوامعی تلاش بر این است که با قدرت های بزرگ طبیعت کنار آیند و هرگز به فکر استیلا بر آن ها نباشند.

تنوع قومی و مفهوم قومیت بر طیف وسیعی از جوامع حاکم بوده به طوری که در ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و تنها ۴ درصد مردم دنیا در کشورهایی زندگی می کنند که دارای یک گروه قومی هستند، و تمایلات قوم گرایانه می تواند از ویژگی های این جوامع باشد. "قوم گرایی، رویکردی است که در آن اشکال اخلاقی، دینی و اجتماعی اقوام دیگر را با معیارهای قوم خود داوری کنیم و به این ترتیب اختلاف های آن ها را به حساب ناهنجاری هایشان بگذاریم" (کلود ریویر، ۱۳۸۶: ۲۳) و این امر خود متضمن کوچک شمردن دیگر اقوام است و این روند در توسعه می تواند در جوامع گوناگون متمایز باشد و از موانع توسعه فرهنگی تلقی گردد. این گزیده با هدف بررسی رابطه تقدیرگرایی و قوم مداری (متغیر مستقل) به عنوان موانع این نوع توسعه و توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) به نگارش در آمده است.

بیان مسأله

با فروپاشی برخی کشورهای استعماری، کشورهای توسعه نیافته درآستانه ی طراحی مجدد بنای اقتصادی و اجتماعی کشورهای خود برآمدند. در این میان مکاتب گوناگون توسعه ایی (نوسازی^{۱۱} -وابستگی^{۱۲} - نظام جهانی^{۱۳}) مطرح شد و وجوه مختلف مفهوم توسعه کندوکاو گردید. این مکاتب برداشت های گوناگونی از مفهوم توسعه شده است، این مفهوم روز به روز در حال تحول و وسیع تر شدن است، بر اساس مؤلفه های تشکیل دهنده می توان آن را فرایندی دانست که متضمن بهبود مداوم در همه عرصه های زندگی انسانی می باشد، دراین راستا انسان ها به حیاتی بهتر و انسانی تر هدایت می گردند. در این قالب جدید موازنه به نفع فرهنگ دگرگون شده است و همه کسانی که به نحوی در توسعه کشورها

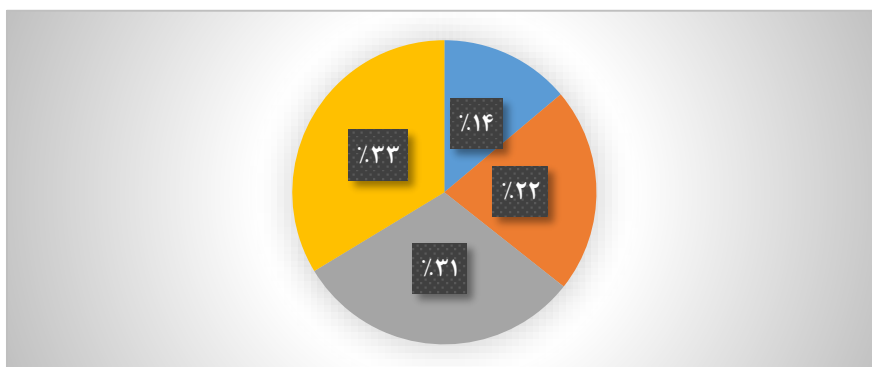
^{۱۱} Modernization

^{۱۲} Dependency

^{۱۳} World System

اندیشیده اند به نقشی باورها^{۱۴}، ارزش‌ها^{۱۵} و هنجارها^{۱۶} در تمهید، تسهیل و تسریع توسعه اشاره نموده اند و تقویت این ایده می‌شود که فرهنگ در هر جامعه به همراه ارزش و ایده آل‌های اجتماعی بنیان توسعه است.

شکل ۱: " ارزش کل به درصد اقتصادی برای فضاهای فرهنگی



۱- ارزش وجودی ۱۴ درصد

۲- ارزش مصرف ۲۱ درصد

۳- ارزش انتخاب ۳۴ درصد

۴- ارزش موروثی ۳۱ درصد

(J.Armbrecht, Andersson T.D., ۲۰۱۳)

شکل شماره (۱) نشان می‌دهد که فرهنگ بیان‌کننده ارزش‌های اقتصادی که مربوط به استفاده خدمات فرهنگی و کالاها توانان، و عدم استفاده از آنان است که صرفاً به وجود آنان (ارزش وجودی)، احتمال استفاده از آنان (ارزش انتخاب) یا انتقال آنان به نسل‌های آینده (ارزش‌های موروثی) اشاره دارد." (Magdalena, ۲۰۲۲: ۷۳۴)

بنابراین صحبت در زمینه ارزش‌های فرهنگی به عنوان عوامل خیزش جوامع به سمت توسعه بالا می‌گیرد، بنابراین " توسعه، وابستگی به جایگزینی ارزش‌های سنتی با ارزش‌های نوین دارد" (webster, ۱۹۹۱: ۴۹).

^{۱۴} Belief

^{۱۵} Values

^{۱۶} Norms

این اهمیت یابی فزاینده و همه جانبه بودن توسعه اقبال پژوهشگران به مسائل و موضوع های فرهنگی به عنوان یکی از ابعاد توسعه را در پی داشت،^{۱۷} به طوری که در قطعنامه شماره ۲۷ کنفرانس جهانی سیاست های فرهنگی در مکزیکوسیتی (۱۹۸۲) به کنفرانس عمومی یونسکو توصیه شد، تا سومین دهه توسعه را به عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی» به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کند و بیست و یکم ماه مه میلادی به عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام گردید. یونسکو همزمان با مجمع عمومی سازمان در سال ۱۹۸۸، دهه پایانی قرن بیستم را «دهه جهانی توسعه فرهنگی» نام نهاده است (احمد زاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۸۹). بر این اساس در دهه های اخیر تلاش های فراوانی برای بازسازی الگو های نظریه های فرهنگی موجود و ساختن نظریه های جدید صورت گرفته است تا پیچیدگی های امر فرهنگی بهتر درک و تبیین شود. توسعه فرهنگی در دو بعد مطرح می شود، در بعد ایستایی^{۱۷} توسعه فرهنگی از توسعه عادلانه ی امکانات و فرصت های کمی فرهنگی و در بعد پویایی^{۱۸} توسعه فرهنگی که به منظور انطباق ارزش ها با شرایط زمانی و مکانی می باشد، در بعد پویایی توسعه فرهنگی: «صاحب نظران فرهنگی معتقدند که هر سیاست فرهنگی که به مردم سالاری فرهنگی گرایش دارد و می خواهد توسعه فرهنگی را اعتلا بخشد باید متکی بر مشاهده رفتار و تحقیق در زمینه آرزوها باشد و بر تقاضاها اعتنا نماید، از این رو توسعه فرهنگی چیزی بیش از مصرف فرهنگی می باشد» (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳۹)، و در تعریف سازمان جهانی یونسکو توسعه فرهنگی «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد»، آمده است، و در این گزیده بر مبنای همین تعریف اخیر توسعه فرهنگی عملیاتی و به معنای گسترش ارزش های فرهنگی متناسب در راستای توسعه می باشد.

در مسیر توسعه برخی ارزش ها نیز به عنوان موانع توسعه فرهنگی عنوان شده اند، که بارزترین آنان تقدیرگرایی و قوم گرایی هستند. تقدیرگرایی به معنای «اعتقاد و باوری است فرهنگی و گروهی که بنا بدان فرد تقدیرگرا امور همه پدیده ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها عوامل ماوراءطبیعه و متافیزیکال نسبت می دهد و این نیروها را در همه اوضاع و اموال ناظر بر افعال و کردار خود می - داند» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۰) و مورد توجه پژوهشگران به خصوص پژوهشگران غربی قرار گرفت. اورت راجرز^{۱۹} یکی از موانع توسعه فرهنگی را تقدیرگرایی در معنای «درجه ایی از درک فرد نسبت به

^{۱۷} Static

^{۱۸} Dynamic

^{۱۹} Urt Rogers

عدم توانایی خود در مورد کنترل آینده» دانسته و "ایزنشات روحیه تقدیرگرایی را از یکی از موانع اصلی توسعه می داند زیرا انگیزه مشارکت در فرایند را از شخص می گیرد" (لهسایبی زاده، ۱۳۸۱: ۶۲) تقدیرگرایی به عنوان باوری فرهنگی و گروهی که در آن کلیه امور و پدیده ها در حیات اجتماعی فرد به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءطبیعه نسبت داده می شود و این نیروها در همه اوضاع و احوال ناظر بر افعال، افکار و کردار فرد هستند، اطلاق می گردد. جامعه‌ای که تقدیرگرایی در آن حاکم باشد، مردم آن اغلب تسلیم سرنوشت می شوند و در پی کنار آمدن با قدرت های بزرگ طبیعت بوده و هرگز به فکر استیلا بر آن ها نیستند.

"قوم گرایی به معنای تمایل به در نظر گرفتن روش های فکری و رفتاری گروه خود به عنوان معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه می توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت قوم مداری شدید، فرد گروه خود را با فضیلت تر و برتر می بیند و ارزش های گروه خودش را از ارزش های عام تلقی می کند، و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون گروه است که در حالت قوم گرایی شدید، فرد برون گروه های را حقیر و پست می شمارد و ارزش های آن ها را طرد می کند و سعی می کند فاصله ی اجتماعی اش را از برون گروه ها حفظ نماید" (Gudy Kunst, ۱۹۹۴, ۷۷) (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۸). "مقوله بندی قومیتی متداول تر امروزی برحسب زبان، فرهنگ، و زادگاه مشخص می شود. آثار نظریه پردازانی همچون ویلیام کراس درباره هویت آمریکایی های آفریقایی تبار نمونه ی رویکردی است که این شکل از مقوله بندی و هویت شناسی را نشان می دهد" (Deaux, ۲۰۰۱: ۳). نظریاتی چند در مفهوم قوم مداری چه به صورت آشکار و چه به صورت گوناگون، ارائه گردیده به عنوان مثال، "در سنت و میراث جامعه شناسی تفسیری ماکس وبر به موضوعات معرفتی و روشی برجسته ایی حاصل از تلاطم ذهن و واقعیت تجربی شده است، با بازخوانی آرای وبر، اصل منکشف می شود که می شود آن را به عنوان اصل قوم مداری روش شناختی صورت بندی کرد. (عرفان منش، ۱۳۸۳: ۱۴۰۰). ایران در مقایسه با سایر کشورها از لحاظ همانندی قومی در رتبه شانزدهم قرار دارد. در ایران اقوام کرد، فارس، لر، ترک، عرب، بلوچ، ترکمن و... در کنار هم زندگی می کنند. قوم گرایی روابط هم پیشانه بین قومی مشتمل بر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کاهش و در مقابل روابط سیاسی

یا تعارض بین قومی را تقویت می کند و با تحقیر سایر اقوام خودی همراه است و می تواند تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی را در پی داشته باشد.

این پژوهش با هدف بررسی رابطه تقدیرگرایی و قوم گرایی (متغیر مستقل) به عنوان موانع توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) به نگارش در آمده است و نقش و تأثیر متغیرهای فوق را در توسعه فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد و پاسخگوی سؤالات ذیل است:

- چه رابطه ای بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی وجود دارد؟

- چه رابطه ای بین قوم گرایی و توسعه فرهنگی وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در راستای توجه به تحقیقات انجام شده و به منظور عدم جلوگیری از تکرار موضوع پیشینه تحقیق داخلی توسعه فرهنگی، تقدیرگرایی و قوم گرایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

"انتشارات OECD سال ۲۰۱۸ فرهنگ را بعنوان یک متغیر در توسعه محلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. فرهنگ بعنوان یک منفعت عمومی به وجهه یا اعتباری^{۲۰} کلر^{۲۱}، روابط بین فرهنگ و توسعه (۲۰۱۷) روابط بین فرهنگ و توسعه، متفاوت و سیستماتیک است. اصول مختلف رشد و توسعه، نشان دهنده تفاوت های فرهنگی سیستماتیک در توسعه یک مفهوم از خود، پویایی توسعه است. به رسمیت شناختن مسیرهای مختلف توسعه برای علوم پایه ضروری و یک الزام اخلاقی برای زمینه های کاربردی است." آلبرت^{۲۲}(۲۰۱۴) نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی در طول زندگی: رویکرد روابط بین فردی این مقاله برخی از مزایا و معایب مربوط به روانشناسی فرهنگی توسعه دهنده زندگی را برجسته کرده است. منوچهر محسنی(۱۳۸۳) به بررسی آگاهی، نگرش و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران پرداخته و پژوهشگر به آسیب های فرهنگی اشاره کرده و کیفی بودن امر فرهنگ را مورد بررسی قرار داده است. اسداله بابایی فرد (۱۳۸۹) به توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران توجه کرده و نشان داده شده است که توسعه فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری-فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی، مواجه است. محقق بر این عقیده است که مسلماً چنین پدیده ای می تواند نقش اساسی در عدم توسعه اجتماعی نیز داشته است، محمد رضا حسینی (۱۳۷۷) به موانع فرهنگی توسعه در ایران و

^{۲۰} Culture and Local development, OECD, ۲۰۱۸

^{۲۱} Heidi Keller

^{۲۲} Isabelle Albert

ضمن ارائه تصویری از وضعیت توسعه فرهنگی در ایران، تحلیلی از فرهنگ سیاسی ایران ارائه می دهد و ویژگی های عمده آن را به تفکیک برمی شمارد. فقدان انگیزه موفقیت طلبی، اسطوره گرایی، توجه بیش از حد به اصل و نسب، احساسی بودن، تمایل به تقلید، ذهن گرا بودن، گرایش به خشونت، را از جمله موانع عمده ایی می داند که بر سر راه توسعه در ایران وجود دارد. منصور وثوقی، هاشم و گودرز سلمانی (۱۳۹۱) بررسی موانع ساختاری در جهت شکل گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش ها و راهکارها در این تحقیق استدلال می کنند که فرهنگ سنتی، فرهنگ استبداد، سنت ایرانی و تأخر فرهنگی برآمده از نظام اجتماعی ناهمگون و نامتوازن جامعه، به عنوان مانع ساختاری توسعه فرهنگی در ایران بوده است، محسن نیازی، الهام شفائی مقدم (۱۳۹۳) به بررسی عوامل موثر بر میزان تقدیرگرایی زنان و تأکید بر نقش منفی تقدیرگرایی در توسعه پرداخته اند. علی یوسفی، احمد رضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸) قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران داده ها در بین هشت قوم ایرانی شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش نشان می دهد که اولاً قوم مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، در عین حال کمترین قوم مداری از آن عرب ها و بیشترین قوم مداری از آن قوم بلوچ است. ثانیاً قوم مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می گردد و ثالثاً قوم مداری مانع از شکل گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین قومی می گردد.

مبانی نظری و عملیاتی تحقیق

قوم گرایی

در این تحقیق مفهوم قوم گرایی به عنوان یکی از موانع توسعه فرهنگی ذکر شد است. نظریات ارائه شده در مباحث و مناظرات قومی را می توان بدین صورت تقسیم بندی نمود: ۱- به دو شیوه کلی دیرین گرا^{۲۳} و ابزارانگار^{۲۴}. ۲- تفاوت های هویت ملی و هویت های قومی. ۳- خاص گرایی قومی. ۴- دولت و مناظرات قومی. نظریاتی چند با توجه مباحث فوق از سوی نظریه پردازان ارائه شده است.

این تحقیق با هدف عملیاتی کردن مفهوم قوم گرایی از نظریه ذیل استفاده شد. "اندرو هیوود از صاحب نظرانی است که سعی دارد با توجه به گوناگونی دیدگاه های مفهوم «ملت» و «قوم» و مفاهیم متناظر آن ها، ناسیونالیسم ملی و قومی را روشن کند. از نظر او ملت ها که شکل جدید آن در دو سده اخیر تکوین یافته و همه جایی شده است، پدیده های پیچیده ای هستند که از ترکیب عوامل فرهنگی، سیاسی و

^{۲۳} Primordialis

^{۲۴} instrumentalism

روانی شکل گرفته اند. به لحاظ فرهنگی ملت، گروهی از مردم است که به واسطه زبان، دین، مذهب، تاریخ و سنت‌های مشترک با هم پیوند یافته اند، با این وجود، ملت‌ها سطوح گوناگونی از همگنی فرهنگی را نیز بروز می‌دهند. از لحاظ سیاسی ملت گروهی از مردم است که خود را اجتماعی سیاسی و طبیعی می‌داند. اگر چه این تلقی از دیر باز به صورت تمایل ایجاد یا حفظ دولت‌مداران بیان شده است، اما این تلقی به شکل آگاهی مدنی نیز می‌تواند بروز پیدا کند. از لحاظ روان‌شناختی، ملت، گروهی از مردم است که با وفاداری مشترک یا دلبستگی و احساسی به نام میهن پرستی مشخص می‌شود. اما اینگونه عواطف و تعلقات، شرط ضروری عضو شدن در ملت نیست؛ حتی افراد ساکن یک کشور هم که غرور ملی ندارد، ممکن است به طور رسمی، همچنان به ملت تعلق داشته باشند" (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۵۷). "هویت قومی در صورت تبدیل شدن به قوم مداری افراطی و احساس برتری به اقوام دیگر، می‌تواند منشاء تعارض قومی و مانع همبستگی و انسجام جمعی در سطح جامعه باشد" (عبدالهی، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

تقدیرگرایی

تقدیرگرایی یکی دیگر از موانع توسعه فرهنگی عقیده ایی است که طی آن افراد جامعه منفعل، بی اراده، بی تصمیم و خود را بی قدرت دانسته و یکی از موانع بزرگ توسعه فرهنگی به شمار می‌رود. "در متون اقتصادی و اجتماعی توسعه در جهان و ایران از آغاز این مطلب مطرح شده که ساختار فرهنگ و جامعه سنتی بر اساس تقدیرگرایی، و نفی اراده و آزادی انسان و نوآوری نهاده شده است" (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۴). در این زمینه نظرات بسیاری ارائه شده است. در سنت جامعه‌شناسی پارادایم واقعیت اجتماعی و مکتب کارکردگرایی ساختاری، اعتقادات و باورهای گروهی و در کل تمامی محصولات زندگی جمعی زیر نفوذ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آیند از جمله تقدیرگرایی به عنوان یک عقیده گروهی و عمدتاً به مثابه واقعیتی اجتماعی نگریسته شده است که فرد را در رفتار اجتماعی هدایت می‌کند و به او در زندگی جمعی خط، جهت، روش و منش می‌دهد. در عین حال برای این گروه از صاحب نظران عوامل موثر بر تقدیرگرایی و نیز روابط و مناسبات میان این متغیر اجتماعی و عوامل و متغیرهای روانی (فردی) و عوامل فرهنگی مورد توجه بوده است. فرهنگ در برداشت‌های جامعه‌شناسان کارکردگرا مجموعه‌ای از افکار و ارزش‌های سنتی است که در بیرون از فرد جای دارد به گفته دورکیم اقتداری آمرانه بر او اعمال می‌کند. صاحب‌نظران بسیاری دیگر نیز مدل نظری در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی به مفهوم تقدیرگرایی (فاتالیسم) پرداخته اند. گستردگی تحقیقات صورت گرفته که غالب آنان توسط محققین غربی می‌باشد، تقدیرگرایی را بعنوان متغیر مستقل یا وابسته

(علت و معلول) بسیاری از زمینه ها و ریشه های برخی از رفتار نامتناسب توسعه، در نظر گرفته و متغیرهای مذکور را با مفهوم تقدیرگرایی به عنوان متغیری متأثر و تأثیر گذار بر عواملی چند در نظر گرفته اند. از جمله: مانفرد، مک کله لند، جاگار^{۲۵}، آلوین^{۲۶}، اورباخ^{۲۷} و فیگرت^{۲۸}، آیزان^{۲۹} و فیش باین^{۳۰}، بیرد^{۳۱}، کوهن^{۳۲}، پارادا^{۳۳} و کورتز^{۳۴}، ویلیام گمسون^{۳۵}، پرچرون^{۳۶}، سندرز فیلیپس^{۳۷}، شوارتز^{۳۸} پتمن^{۳۹}، میلر^{۴۰}، لیپست^{۴۱}، چهی بر، سی مور مارتین^{۴۲}، مارش^{۴۳}، گونزالس^{۴۴}، پارادا، سندرز^{۴۵}، زاهنر^{۴۶}، گابریل^{۴۷}، زینر و... این نظریه پردازان در این میان عواملی (متغیرهایی) همچون کم سواد، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده، منشاء جغرافیایی، سن، وضعیت فعالیت اقتصادی، نیاز به موفقیت، یادگیری، احساس خود اثر بخشی، احساس بی قدرتی، عزت نفس، بی اعتمادی سیاسی، احساس بی عدالتی، تبعیض، تعالیم دینی، بی ارزش بودن دنیا و... مورد بررسی قرار داده اند. در این تحقیق به منظور مبانی عملیاتی مفهوم تقدیرگرایی از این نظریات استفاده شده است. "راجرز، تقدیرگرایی را درجه ای از درک فرد نسبت

^{۲۵} Jaggar

^{۲۶} Alwin

^{۲۷} Auerbach

^{۲۸} Figert

^{۲۹} Ajzen

^{۳۰} Fishbein

^{۳۱} Byed

^{۳۲} Cohen

^{۳۳} Parada

^{۳۴} Cortez

^{۳۵} William Gamson

^{۳۶} Precheron

^{۳۷} Sanders - Philips

^{۳۸} Schwartz

^{۳۹} Pate man

^{۴۰} Miller

^{۴۱} Lipset

^{۴۲} Martin.c.moor

^{۴۳} Marsh

^{۴۴} Gonzalez

^{۴۵} Sanders

^{۴۶} Zaehner

^{۴۷} Gabriyel

به ناتوانایی اش در مورد کنترل آینده تعریف می‌کند (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۸)، راجرز معتقد است دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌دانند و از آن جایی که دهقانان معتقدند که ستیز با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است هر زمان که خود با آشنایان در زندگی به موفقیتی رسیدند آن را به کارکرد عوامل ماوراء الطبیعه نسبت می‌دهند. وی در پرتو تحقیقات خود در زمینه تقدیرگرایی در جوامع سنتی و دهقانی به این نتیجه می‌رسد که دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجه نظرهایی نظیر بی ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری، نرمش و گریز بوده و در نتیجه روحیه تقدیرگرایی از عواملی است که مانع پذیرش نوسازی و تغییر در میان دهقانان است. او معتقد است، فئاتلیسم در میان دهقانان بر ساخت سنتی خانواده روستایی که ساختی مقتدرانه است بستگی دارد که سبب می‌شود جوان ترها افرادی بی اراده و ابسته و مطیع تربیت شوند. مانفرد (۱۹۷۶) تقدیرگرایی را به عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی، خاص جوامع می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر است: ۱- عرف بر اعتقاد غلبه دارد، ۲- نظام اجتماعی-اقتصادی تولید در مرحله قبل صنعتی قرار دارد روابط اجتماعی تولید منعکس کننده ارزش فنودالیسم است، ۳- جوامعی که هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده اند، ۴- حداقل تحرک طبقه ایی و حرفه ایی (شغلی) دیده می‌شود، ۵- حداقل تقسیم کار و تخصصی در جامعه مشهود است، ۶- سواد و آگاهی‌های عمومی پایین است، ۷- عدم اطلاع از تاریخ قاعده کلی است، ۸- انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی است، ۹- نوعی احساس ناتوانی و بی قدرتی و ناامیدی در برابر واقعیات حاکم همراه با نوعی تسلیم و رضا شیوع دارد.

توسعه فرهنگی

همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد به منظور بررسی مفهوم توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) بر مجموعه ایی از ارزش‌ها تأکید شده است. به دلیل گستردگی نظریات مبانی نظری عملیاتی در این بخش به صورت کوتاه بسنده می‌کنیم. در مبحث دموکراسی به عنوان مبانی عملیاتی این تحقیق اشاره می‌کنیم که دوتوکویل معتقد است دموکراسی همانا برابر کردن مردم است. به نظر دوتوکویل، آن جامعه ای دموکراتیک است که تمایزی ناشی از سلک و طبقات در آن دیگر وجود ندارد و تمامی افراد جامعه، به لحاظ اجتماعی برابرند. در مورد مفهوم جهانی شدن از اصطلاح «جهان محلی شدن» رونالد رابرتسون که عقیده دارد این اصطلاح در تعریف اصیل خود به معنی «یک دیدگاه جهانی دوخته شده به شرایط محلی» است یا در زبان خشن تر بازاریابی که برای اولین بار این اصطلاح در مورد آن مطرح شد، به معنی شیوه ای است که کالاها، خدمات و تبلیغات برای بازارهای متفاوت محلی تولید می‌گردند، استفاده شد. جهت بیان مفهوم علم گرایی و عملیاتی کردن آن از نظریه مرتون که سعی کرد به توجیه

زمینه‌های رشد علوم جدید بپردازد، وی بر این عقیده بود که رشد و توسعه علوم جدید از طریق دگرگونی‌هایی که در ارزش‌های مورد قبول جامعه روی داد، مورد حمایت و تشویق قرار گرفت، استفاده شود.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی در دو بعد مطرح است، بعد ایستایی و بعد پویایی. در بعد پویایی که معطوف به ایجاد و تغییر و تحول در عناصر فرهنگی به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی در نتیجه پاسخ‌گو به نیازهای تاریخی است، پهلوان به این معنی اشاره دارد " هنگامی که از توسعه فرهنگی سخن می‌گوییم و قصد می‌کنیم که با نگرش‌های معینی امکانات دسترسی مردم به فرهنگ را فراهم بیاوریم، در عمل از نوعی فرهنگ که ویژه نخبگان است، دوری می‌جوئیم و می‌خواهیم، قابلیت‌ها و شیوه‌های را بپروانیم و بگسترانیم که متکی به مفهوم گسترده‌تر از فرهنگ باشد. یعنی فرهنگ را برای مردم عادی هر جامعه سازمان بدهیم و تدارک ببینیم و توسعه فرهنگی در این حالت تمام مردمان را هدف می‌گیرد، نه فقط نخبگان را هدف توسعه فرهنگی فراهم آوردن اسباب دسترسی توده‌های مردم به فرهنگ و مشارکت آنان در زندگی است. بدین ترتیب دو عامل در اینجا اهمیت دارد: دسترسی و مشارکت (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳۰)، در معنای دوم این بعد از توسعه فرهنگی، توسعه می‌بایست فرهنگی باشد و ماهیتی فرهنگی داشته باشد، و به بیان دیگر توسعه می‌بایستی مبتنی بر فرهنگ باشد و همه انواع توسعه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارای ماهیتی فرهنگی باشند.

در این تحقیق از بعد پویایی توسعه فرهنگی استفاده شده و با این تعریف عملیاتی می‌شود. سازمان جهانی یونسکو توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) را «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد» می‌داند. بنابراین توسعه‌ی فرهنگی فرایندی است که طی آن تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌های جوامع به وجود می‌آید و حاصل فرایند توسعه‌ی فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ‌های غلط پیشین و جایگزینی آن با تفکری است که در اجتماع، محور تفکر انسان قرار گرفته و هدف آن دستیابی به نگرشی نو و دانایی محور نسبت به تمام مسائل جهان است. به این ترتیب در این تحقیق از همین تعریف استفاده نموده و از توسعه فرهنگی به عنوان متغیر وابسته با استفاده از مجموع ارزش‌های زمینه ساز همچون دموکراسی، جهانی شدن و علم‌گرایی مورد سنجش قرار گرفت.

قوم گرایی

در تعریف قوم گرایی آمده است، "قوم گرایی، رویکردی که در آن اشکال اخلاقی، دینی و اجتماعی اقوام دیگر را با معیارهای قوم خود داوری کنیم و به این ترتیب اختلاف‌های آن‌ها را به حساب ناهنجاری‌هایشان بگذاریم" (کلود ریویر، ۱۳۸۶: ۲۳).

در این تحقیق به منظور عملیاتی کردن مفهوم قوم گرایی (متغیر مستقل) آن را به معنای "تمایل به در نظر گرفتن روش‌های فکری و رفتاری گروه خود به عنوان معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه می‌توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت قوم گرایی شدید، فرد گروه خود را با فضیلت‌تر و برتر می‌بیند و ارزش‌های گروه خودش را از ارزش‌های عام تلقی می‌کند، و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون گروه است که در حالت قوم گرایی شدید، فرد برون گروه‌های را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آن‌ها را طرد می‌کند و سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی‌اش را از برون گروه‌ها حفظ نماید" (Gudy Kunst, ۱۹۹۴, ۷۷) (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۸) و سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی را از برون گروه‌ها حفظ نماید، قوم گرایی روابط همزیستانه بین قومی را کاهش و تعرض بین قومی را افزایش و مانع توسعه فرهنگی است. در این تحقیق از این هر دو وجه این مفهوم به عنوان تعریف عملیاتی استفاده خواهیم نمود.

تقدیرگرایی

به منظور درک بهتر می‌توانیم مفهوم تقدیرگرایی به ریشه‌های لغوی این مفهوم نگاهی می‌اندازیم. واژه "تقدیر، یعنی این احساس که امور در هر صورت راه خودشان را می‌روند، دوباره در مرکز جهانی ظاهر می‌شود که ظاهراً کنترل عقلانی امورش را در دست دارد" (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۴۰۲).

تقدیرگرایی داری تعاریف بسیاری است به عنوان مثال آمده است، "این واژه در برابر اعتقاد و باوری است فرهنگی و گروهی که بنا بدان فرد تقدیرگرا امور همه پدیده‌ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال نسبت می‌دهد و این نیروها را در همه اوضاع و احوال ناظر بر افعال و کردار خود می‌داند و در برابر اختیارگرایی آمده است" (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۰) و اورت راجرز^{۴۸} تقدیرگرایی را وضعیتی فکری می‌داند که در آن فرد درک نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده خود دارد، و "آنتونی گیدنز تقدیرگرایی را تسلیم طلبی مصلحت جویانه یا بدبینی وقیحانه می‌نامد، تسلیم طلبی مصلحت جویانه «باری به هر جهت است» که زندگی را بر اساس «هر چه پیش آید خوش

^{۴۸} Uret Rogers

آید» می‌گذراند، و دیگر بدبینی و قیحانه که نگرانی‌های خود را پشت نقاب بیزاری از دنیا می‌پوشاند" (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

در این تحقیق به منظور عملیاتی کردن مفهوم تقدیرگرایی (متغیر مستقل) آن را به معنای پذیرش بی چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آن، منبعث از اندیشه‌ای که آنان را خارج از حیطه تسلط و قدرت انسان است و این مفهوم اعتقاد و باوری است فرهنگی و گروهی که بنا بر آن فرد تقدیرگرا امور همه پدیده‌ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال نسبت می‌دهد و این نیروها را در همه اوضاع و اموال ناظر بر افعال و کردار خود می‌داند که فرد در برابر این پدیده فاقد هر نوع اختیاری می‌باشد، در این تعریف تقدیرگرایی در مقابل تدبیرگرایی قرار می‌گیرد. همین تعریف به عنوان تعریف عملیاتی که از موانع توسعه فرهنگی به صورت متغیر مستقل استفاده خواهد شد.

فرضیه های تحقیق

به نظر می‌رسد بین قوم گرایی و توسعه فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق به لحاظ گستردگی جامعه آماری و همچنین به تناسب هدف تحقیق متغیرهای مستقل (قوم گرایی و تقدیرگرایی) به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و نرم افزار آماری Spss جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، سنجیده شده و متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را از طریق سنجش مجموع ارزش های زمینه ایی ایجاد کننده توسعه فرهنگی (دموکراسی، جهانی شدن، علم گرایی)، به همین روش مورد سنجش واقع شدند.

اعتبار و پایایی

اعتبار ابزار اندازه گیری بر اساس اعتبار صوری اقدام گردید و برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد (روایی) ابزار اندازه گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول شماره (۲): آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بررسی در پرسشنامه

متغیر	میزان پایایی
دموکراسی	۰/۸۵۲
جهانی شدن	۰/۹۱۱

۰/۸۷۴	علم گرایی
۰/۹۱۱	تقدیرگرایی
۰/۷۸۴	قوم گرایی

نمونه آماری و روش نمونه گیری

در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد و با حجم نمونه مقتضی از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ خانواده انتخاب شد. جامعه آماری تمامی شهروندان شهر شیراز هستند که در زمان تحقیق ساکن این شهر باشند، که به صورت نمونه گیری در جامعه آماری قرار خواهند گرفت. زمان این تحقیق و توزیع پرسشنامه پاییز و نیمه دوم سال ۱۴۰۰ خورشیدی می باشد که از بین جمعیت ۱۵۶۵۵۷۲ نفری که طبق سرشماری سال ۹۵ خورشیدی انتخاب شده و پرسشنامه در میان سرپرستان خانواده ها توزیع شد.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

یافته ها و نتایج تحقیق در بخش آمار توصیفی و نمونه افراد جامعه آماری که در تکمیل پرسشنامه مشارکت داشته اند، نشان می دهد که غالب پاسخگویان مرد با تعداد ۲۵۵ نفر از جامعه آماری بوده اند و اکثریت پاسخگویان دارای سنی بین ۱۸ تا ۴۵ سال با تعداد ۲۷۵ نفر و همین افراد غالباً متأهل با تعداد ۳۰۱ نفر و دارای شغل آزاد با تعداد ۲۱۸ نفر و دارای مدرک تحصیلی دیپلم با تعداد ۱۱۹ نفر بوده اند و بیشترین تعداد دارای مدرک دیپلم بوده اند. تعداد ۱۸۵ نفر با درآمد دو میلیون و هشتصد هزار تومان تا پنج میلیون تومان و دیگران دارای درآمدی کمتر و یا بیشتر از این مبلغ بوده اند و قومیت غالب افراد فارس با ۱۵۳ نفر بوده است.

آمار استنباطی

فرضیه اول: به نظر می رسد بین قوم مداری و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین قوم مداری و توسعه فرهنگی

متغیر	ضریب همبستگی	توسعه فرهنگی	قوم مداری
توسعه فرهنگی	ضریب همبستگی معناداری تعداد	۱ ۳۸۴	۰/۰۰۰** ۰/۰۰۰ ۳۸۴
قوم گرایی	ضریب همبستگی معناداری تعداد	۰/۰۰۰** ۰/۰۰۰ ۳۸۴	۱ ۳۸۴

بررسی رابطه بین قوم گرایی (متغیر مستقل) و توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، مشاهده می کنیم که چون $0.01 < sig = 0.000$ پس در سطح ۹۹ درصد به بالا آزمون معنا دار است و یعنی بین توسعه فرهنگی و قوم گرایی ارتباط معناداری وجود دارد. از طرفی عدد مربوط به ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه که برابر 0.000 و عددی نزدیک به منفی یک است نیز نتیجه فوق را تأیید می کند. علاوه بر این، عدد مربوط به ضریب همبستگی رابطه معکوس بین این دو مؤلفه را نشان می دهد و این یعنی با افزایش میزان توسعه فرهنگی میزان قوم مداری کاهش می یابد و برعکس.

فرضیه دوم: به نظر می رسد تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی

متغیر	ضریب همبستگی	توسعه فرهنگی	تقدیرگرایی
توسعه فرهنگی	ضریب همبستگی معناداری تعداد	۱ ۳۸۴	۰/۰۰۰** ۰/۰۰۰ ۳۸۴
تقدیرگرایی	ضریب همبستگی معناداری تعداد	۰/۰۰۰** ۰/۰۰۰ ۳۸۴	۱ ۳۸۴

بررسی رابطه بین تقدیرگرایی (متغیر مستقل) و توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) نشان می دهد که، با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، مشاهده می کنیم که چون $0.1 < sig = 0.000$ پس در سطح ۹۹ درصد به بالا آزمون معنا دار است و یعنی بین توسعه فرهنگی و تقدیرگرایی ارتباط معناداری وجود دارد. از طرفی عدد مربوط مربوط به ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه که برابر ۰/۰۰۰/۰ و عددی نزدیک به منفی یک است نیز نتیجه فوق را تأیید می کند. علاوه بر این، عدد مربوط به ضریب همبستگی رابطه معکوس بین این دو مؤلفه را نشان می دهد و این یعنی با افزایش میزان توسعه فرهنگی میزان تقدیرگرایی کاهش می یابد و برعکس.

به منظور پیش بینی رابطه متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی- قوم مداری) و متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) از رگرسیون استفاده می نماییم و در این تحقیق ابتدا به رگرسیون خطی ساده به منظور پیش بینی رابطه یک متغیر وابسته بر روی یک متغیر مستقل می پردازیم و سپس به رگرسیون چند گانه (چند متغیره) توجه می کنیم.

بررسی پیش بینی رابطه متغیر مستقل قوم مداری بر متغیر وابسته توسعه فرهنگی از طریق رگرسیون خطی ساده صورت گرفته که نتیجه ذیل بدست آمده است.

جدول شماره ۵: رگرسیون خطی ساده بین قوم گرایی و توسعه فرهنگی.

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون ۱	۴۵۹۷۸/۰۰۰	۱	۴۵۹۷۸/۰۰۰	۱۴۴/۰۰۰	... ^b
باقیمانده	۱۲۱۸۰۶/۰۰۰	۳۸۳	۳۱۸/۰۰۰		
جمع	۱۶۷۷۸۵/۰۰۰	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به منظور تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می شود. همانگونه که دیده می شود Sig برابر صفر است یعنی همانگونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می دهد که متغیر مستقل (قوم مداری) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. به عبارت دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیر مستقل (قوم مداری) مورد نظر را تبیین کنیم.

بررسی پیش بینی رابطه متغیر مستقل تقدیرگرایی بر متغیر وابسته توسعه فرهنگی از طریق رگرسیون خطی ساده صورت گرفته که نتیجه ذیل بدست آمده است.

جدول شماره ۶: رگرسیون خطی ساده بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی.

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون ۱	۲۰۳۴۱/۰۰۰	۱	۲۰۳۴۱/۰۰۰	۵۳/۰۰۰	... ^b
باقیمانده	۱۴۵۵۷۴/۰۷۵	۳۸۳	۳۸۲/۰۸۴		
جمع	۱۶۵۹۱۶/۰۶۸	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به منظور درک تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می شود. همانگونه که دیده می شود Sig برابر صفر است یعنی همانگونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می دهد که متغیر مستقل (تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. به عبارت دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی

است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیر مستقل (تقدیرگرایی) مورد نظر را تبیین کنیم.

به منظور درک رابطه خطی موجود بین این مجموعه از متغیرهای مستقل کنترل شده (تقدیرگرایی و قوم گرایی) با یک متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) و درک روابط موجود بین متغیرهای مستقل به رگرسیون خطی چندگانه (چند متغیره) در این قسمت می پردازیم تا بتوانیم به مطالعه تأثیرات چند متغیر مستقل در متغیر وابسته پردازیم.

جدول شماره ۷: رگرسیون خطی چندگانه بین قوم گرایی و تقدیرگرایی بر توسعه فرهنگی

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
۱ رگرسیون	۵۸۵۱۳/۰۰۰	۲	۲۹۲۵۶/۰۰۰	۱۰۳/۰۰۰	۰۰۰ ^b
باقیمانده	۱۰۷۴۰۲/۰۰۰	۳۸۲	۲۸۲/۰۰۰		
جمع	۱۶۵۹۱۶/۰۶۸	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به منظور تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می شود. همانگونه که دیده می شود Sig برابر صفر است یعنی همانگونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می دهد که متغیرهای مستقل (قوم مداری-تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. به عبارت دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی-قوم مداری) مورد نظر را تبیین کنیم.

نتیجه گیری

پس از انجام تحقیق در شرایط مناسب، اطلاعات تحقیق خلاصه و تفسیر گردید و نتایج ذیل به دست آمد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی برخی کشورهای استعماری، کشورهای توسعه نیافته در آستانه‌ی طراحی مجدد بنای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود برآمدند. در این میان مکاتب گوناگون توسعه (نوسازی-وابستگی-نظام جهانی) طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ مطرح شدند و وجوه مختلف مفهوم توسعه کندوکاو گردید.

برداشت‌های گوناگونی از مفهوم توسعه شد و ناکارآمدی و عدم توانایی مکاتب توسعه اقبال اندیشمندان را بر مباحث فرهنگی متمایل گردانید و ساختن نظریه‌های جدید فرهنگی صورت گرفت تا پیچیدگی‌های

امر فرهنگی بهتر درک و تبیین شود و بخصوص مفهوم توسعه فرهنگی مطرح گردید. توسعه‌ی فرهنگی فرایندی است که طی آن تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌های جوامع به وجود می‌آید و حاصل فرایند توسعه‌ی فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ‌های غلط پیشین و جایگزینی آن با تفکری است که در اجتماع، محور تفکر انسان قرار گرفته و هدف آن دستیابی به نگرشی نو و دانایی محور نسبت به تمام مسائل جهان است و بر بهبود مداوم در همه عرصه‌های زندگی انسانی اعم از مادی، معنوی و بهبود مبانی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی تأکید دارد.

اهمیت توسعه فرهنگی آنچنان مورد تأکید قرار گرفت که در قطعنامه شماره ۲۷ کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی در مکزیکوسیتی (۱۹۸۲) به کنفرانس عمومی یونسکو توصیه شد، تا سومین دهه توسعه را به عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی» به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کند و بیست و یکم ماه مه میلادی به عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام گردید. یونسکو همزمان با مجمع عمومی سازمان در سال ۱۹۸۸، دهه پایانی قرن بیستم را «دهه جهانی توسعه فرهنگی» نام نهاده است. بدین ترتیب یونسکو دهه ۹۰ میلادی را دهه توسعه فرهنگی نامید و بر برخی ارزش‌ها در این مسیر تأکید نموده است و مسیر توسعه کشورها را گذر از این ارزش‌ها و تغییر فرهنگ و تفکرات در راستای توسعه دانست.

توسعه فرهنگی در دو بعد مطرح می‌شود، در بعد ایستایی توسعه فرهنگی، از توسعه عادلانه‌ی امکانات و فرصت‌های کمی فرهنگی و در بعد پویایی توسعه فرهنگی (آنچه در این تحقیق مورد نظر محقق است و به عنوان متغیر وابسته مطرح است)، انطباق ارزش‌ها با شرایط زمانی و مکانی مدنظر است. در این میان مجموعه‌ای از ارزش‌ها مورد توجه واقع گردید که برخی از آنان شامل: دموکراسی، جهانی شدن و علم‌گرایی هستند که در این تحقیق به عنوان متغیر وابسته استفاده شده‌اند. این نوع توسعه با موانعی همراه است که در کشورهای جهان سوم از جمله ایران که غالباً دارای فرهنگ سنتی و برخی ارزش‌های ویژه هستند، این ارزش‌ها متناقض و از موانع توسعه فرهنگی قلمداد می‌گردند. مهمترین این ارزش‌ها تقدیرگرایی و قوم‌گرایی که در این تحقیق به عنوان متغیر مستقل استفاده شده‌اند.

در این تحقیق توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) را با استفاده از مجموع ارزش‌های زمینه‌ای سنجدیده و سپس به موانع این نوع توسعه، تقدیرگرایی و قوم‌گرایی (متغیر مستقل) پرداخته شده است و در غالب مبانی عملیاتی تحقیق و عملیاتی کردن فرضیه‌های تحقیق از نظریات متناسب اندیشمندان و بزرگان جامعه‌شناسی جهان استفاده شد. به منظور انجام این تحقیق شهر شیراز به عنوان جامعه آماری انتخاب شد و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و به دست آوردن حجم نمونه با توجه به آخرین سرشماری

جمعیت در سال ۹۵ در این شهر ۳۸۴ سرپرست خانواده را انتخاب نموده و پس از بررسی روایی و اعتبار، پرسشنامه‌ها توزیع گردید و با بررسی از طریق نرم‌افزار SPSS به نتایج ذیل دست یافتیم. در بخش آمار توصیفی، بررسی افراد جامعه آماری که در تکمیل پرسشنامه مشارکت داشته‌اند، نشان داد که غالب پاسخگویان جامعه آماری مرد با تعداد ۲۵۵ نفر و اکثریت پاسخگویان دارای سنی بین ۱۸ تا ۴۵ سال با تعداد ۲۷۵ نفر و همین افراد غالباً متأهل با تعداد ۳۰۱ نفر و دارای شغل آزاد با تعداد ۲۱۸ نفر و بیشترین مدرک تحصیلی دیپلم با ۱۱۹ نفر بودند و تعداد ۱۸۵ نفر با درآمد دو میلیون و هشتصد هزار تومان تا پنج میلیون تومان و دیگران دارای درآمدی کمتر و یا بیشتر از این مبلغ بوده‌اند و قومیت غالب افراد فارس با ۳۵۳ نفر بودند.

در بخش آمار استنباطی به بررسی دو فرضیه این پژوهش پرداخته شد. فرضیه اول به معناداری رابطه تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی می‌پردازد و فرضیه دوم به معناداری رابطه قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی توجه دارد. پس از تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده، هر دو فرضیه ذکر شده در پژوهش به نتایج ذیل رسیدند و مشخص شد که رابطه عمیقی در سطح ۹۹ درصد به بالا بین متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) و متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی - قوم‌گرایی) که به عنوان موانع توسعه فرهنگی وجود دارند و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به اثبات رسید به نحوی که بدون رفع این موانع امکان دستیابی به توسعه فرهنگی وجود ندارد.

طرح فرضیه اول که به رابطه تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی اشاره دارد و اثبات این فرضیه بر اساس نتایج حاصل و با بررسی نظریه مانفرد (۱۹۷۶) در جوامعی که تقدیرگرایی به عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی است طی آن افراد جامعه تحت تأثیر نیرویی ماوراطبیعی خود را منفعل، بی‌اراده، بی‌تصمیم و بی‌قدرت دانسته و یکی از موانع بزرگ توسعه فرهنگی است در این جوامع به دلیل حاکمیت عرف، تولید مرحله قبل صنعتی، عدم تولید انبوه، حداقل تحرک طبقه ایی و تقسیم کار، سواد پایین و عدم اطلاع از تاریخ و حداقل تیم کار و تخصصی، انسجام نوع مکانیکی، احساس ناتوانی و ناامیدی و حاکمیت تسلیم و رضایت که از شاخص‌های جوامع جهان سومی است در جوامعی می‌توان یافت که در آن ارزش تقدیرگرایی وجود دارد، به این نتیجه می‌رسیم که این نظریه تطابقی صحیح با جامعه آماری دارد و نظریه مانفرد در این جامعه احاطه دارد و مورد تأیید است. فرضیه دوم به رابطه قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی اشاره دارد و اثبات این فرضیه بر اساس نتایج حاصل و بر اساس مفهوم قوم‌گرایی اندرو هیوود و آنتونی اسمیت از صاحب‌نظرانی هستند که سعی دارد با توجه به گوناگونی دیدگاه‌های مفهوم «ملت» و «قوم» و مفاهیم متناظر آن‌ها، ناسیونالیسم ملی و قومی را روشن کند. به لحاظ فرهنگی ملت

گروهی از مردم است که به واسطه زبان، دین، مذهب، تاریخ و سنت‌های مشترک با هم پیوند یافته‌اند، با این وجود، ملت‌ها سطوح گوناگونی از همگنی فرهنگی را نیز بروز می‌دهند. اما اینگونه عواطف و تعلقات، شرط ضروری عضو شدن در ملت نیست؛ حتی افراد ساکن یک کشور هم که غرور ملی ندارد، ممکن است به طور رسمی، همچنان به ملت تعلق داشته باشند. آنتونی اسمیت با ارائه این تحلیل که وجود اقوام مختلف دلیلی بر عدم امکان شکل‌گیری ملت در یک جامعه نیست بیان می‌دارد که آنچه این اقوام پراکنده و گاه متفاوت را بصورت ملتی یکپارچه در می‌آورد و هویتی متفاوت از تک تک اجزاء یا همان قوم تشکیل می‌دهد، این نظریه تطابقی صحیح با جامعه آماری دارد و نظریات اندرو هیوود و آنتونی اسمیت در این جامعه احاطه دارد و مورد تأیید است.

در این تحقیق همچنین به منظور پیش‌بینی روابط فوق از رگرسیون استفاده شده است. طبق نتایج مشاهده شده Sig برابر صفر است یعنی همانگونه که از جدول مشخص شد، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل (قوم‌گرایی-تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار هستند و می‌توانند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. طبق این نتیجه پیش‌بینی می‌شود متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی-قوم‌گرایی) که به عنوان موانع توسعه فرهنگی عنوان شده‌اند در یک جامعه که قصد طی مسیر توسعه را دارد از موانع عظیم توسعه هستند و این جوامع می‌بایست پس از رفع این موانع ارزشی در راستای ایجاد و نوسازی ارزش‌های زمینه ساز توسعه فرهنگی گام بردارند.

بنابر تحقیق فوق و با توجه به اثبات فرضیه‌ها، طی طریق توسعه در ایران توسعه فرهنگی است که از سوی محافل بین‌المللی و برخی اندیشمندان مورد تأکید می‌باشد. لذا در این مسیر دشوار از بین بردن برخی موانع اساسی همچون تقدیرگرایی و قوم‌گرایی به دلیل میزان تأثیرگذاری آنان در توسعه فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر ایجاد زمینه گسترش مجموعه‌ای از ارزش‌هایی که زمینه ساز و بنای توسعه فرهنگی بر آنان است، ضرورتی انکارناپذیر است. البته متغیرهای دیگری نیز می‌تواند در مسیر این نوع توسعه دخیل باشند که تحقیقاتی دیگر را طلب می‌کند.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران، نشریه فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳: ۲۰۸-۱۹۱
۲. احمد زاده کرمانی، روح الله (۱۳۹۰)، باز اندیشی در فرهنگ و رسانه، تهران، نشر چاپا

۳. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)، فرهنگ شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، انتشارات پیام امروز.
۴. جلالی پور، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، نظریه پردازان متأخر جامعه‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ریویز، کلود، (۱۳۸۶)، درآمدی بر انسان شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ هفتم، تهران، نشر
۶. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام ن
۷. هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشرنی.
۸. یوسفی، علی، احمد رضا اصغریور ماسوله، (۱۳۸۸)، «قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.
۹. عبدالمهی، محمد، (۱۳۸۰)، «تنوع قومی در ایران، چالش ها و فرصت ها، بخش دوم»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
۱۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.
۱۱. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). مقدمه ای بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ سوم.
۱۲. شجاعی، جواد. (۱۳۸۴). عوامل روانی - اجتماعی بر تقدیرگرایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۱۳. راستی، هادی، اسماعیل رحمانی، (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل موثر بر میزان تقدیر گرایی در نواحی روستایی»، فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۱۴. عرفان منش، ایمان، (۱۴۰۰)، «تناظر اصل قوم مداری روش شناختی ماکس وبر با جامعه شناسی بومی - تمدنی: پردازش مفهومی برای «تمدن - جامعه شناسی»، نشریه: نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان.
۱۵. یوسفی، علی، احمد رضا اصغریور ماسوله، (۱۳۸۸)، «قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.

منابع خارجی

۱. Deaux, Kay, (۲۰۰۱), "Social Identity", City University of New York, Academic Press
۲. Webster, A, (۱۹۹۱), Introduction to the Sociology of Development, London, Macmillan.

۳. Magdaienda Paskowska-Schnass and Agnieszka Widuto, (۲۰۲۲),EPRS/European Parliamentary Research Service.

۴.Armbrecht,J and Andersson T.D.(۲۰۱۳), Culture and Value Creation. A Scandinavian Perspective , Routledge.

Abstract

The inability of classical theories of development, such as "dependency theory" and "modernization theory", cultural development and its impact on development became of special importance. Cultural development faces obstacles. Determinism and ethnocentrism are among the major obstacles that stand against cultural development, the categories that are the subject of this research. Determinism and ethnocentrism were measured as independent variables and cultural development as a dependent variable. The purpose of investigating the effect of these obstacles on cultural development is to emphasize the change of the structure of values in the families of Shiraz city. This research was carried out using a survey method. The sample was ۳۸۴ citizens living in Shiraz, whose number was calculated using Cochran's formula, and a questionnaire was distributed among the families of the statistical population from cluster sampling. The findings showed that the two variables of ethnocentrism and fatalism have a definite effect on the determination of social values, and there is a significant relationship at the level of ۹۹% and above, and the hypotheses are confirmed. Also, the findings show that the tendency towards ethnocentrism and fatalism have an influence on democracy, globalization and scientism and are an obstacle in the way of cultural development.

Keywords: cultural development, value, development, culture, fatalism, ethnocentrism